

این پیراهن فقط برای یازده نفر نیست

می‌شود از عملکرد فنی، رفتار، حتی شخصیت بازیکنان و تصمیم‌های کادر فنی تیم ملی ناراضی بود؛ اما کماکان تیم ملی را دوست داشت؛ چون این تیم فراتر از نفرات امروزش، بخشی از حافظه جمعی و دارایی نمادین مردم است و هنوز می‌تواند بهانه حال خوب و تجربه جمعی مان باشد

ZENDEGI-SALAM

روزنامه خراسان رضوی

یک شنبه • ۳۱ خرداد ۱۴۰۵
۶ محرم ۱۴۴۸
۲۱ ژوئن ۲۰۲۶
شماره ۲۲۰۷۶
۳۲۹۱



سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

بعد از تساوی مقابل نیوزیلند، شبکه‌های اجتماعی پر شد از دوواکنش متفاوت. عده‌ای با عصبانیت نوشتند از دو گلی که به راحتی خورده شد. از اشتباه‌ها. از انتخاب‌های عجیب. از تیمی که می‌توانست بهتر باشد. در کنار آن‌ها، گروهی بودند که مضمون واکنش‌شان این بود که این تیم مال ما نیست و نه از موفقیتش خوشحال می‌شویم نه از شکست خورنش. این جمله کوتاه شاید از هر انتقادی تلخ‌تر باشد. چون پشت آن نوعی خستگی عاطفی پنهان است. نوعی فاصله گرفتن از چیزی که سال‌ها بخشی از خاطره جمعی ما بوده است. اما پرسش مهم همین‌جا شکل می‌گیرد. آیا واقعا دیگر مهم نیست؟ یا می‌خواهیم که مهم نباشد؟ کسی که هنوز حرص می‌خورد، هنوز اعتراض می‌کند، هنوز در باره ترکیب و بازی بحث می‌کند، در واقع هنوز خودش را صاحب این داستان می‌داند. هنوز احساس می‌کند چیزی در این میان سهم اوست. تیم ملی شاید این روزها همه را راضی نکرده باشد. ممکن است از بعضی رفتارها و اظهار نظرهای بازیکنان و کادر فنی دلخور باشیم. ممکن است از کیفیت بازی‌ها ناراضی باشیم. اما یک پرسش جدی باقی می‌ماند: آیا دلخوری باید به بی‌تفاوتی برسد، یا می‌تواند شکل دیگری از تعلق باشد؟

فرار از کرختی برای تقویت جامعه

بخشی از زندگی اجتماعی مردم است. مشابه لحظه‌ای جالب بعد از بازی ایران و آرژانتین سال ۲۰۱۴ که حتی بعد از باخت لحظه آخری مردمی که از نمایش تیم راضی بودند به خیابان آمدند. پس ای کاش ضمن نقد کردن و رسمی دانستن این حق که ممکن است بازیکنی را دوست نداشته باشیم؛ تیم ملی را فراتر از برآیند نفراتش بدانیم و فراموش نکنیم اگر رشته‌های پیوند ما با امور جمعی، با مفاهیم، با مکان و ... گسسته شود حسی از کرختی، بی‌معنایی و یأس بر ما غلبه می‌کند که نسبت به تغییر هیچ چیزی حساس نباشیم و این مسیر خوبی برای آینده جامعه نیست.



تیم ملی را نمی‌توان فقط به ۱۱ بازیکنی که در یک مسابقه وارد زمین می‌شوند تقلیل داد که اگر آن‌ها را دوست نداشتیم نسبت به سر نوشت تیم ملی بی‌تفاوت باشیم. تیم ملی در واقع بخشی از حافظه جمعی یک ملت است؛ حافظه‌ای که از دهه‌ها پیش شکل گرفته و لایه لایه روی هم نشسته است. برای بسیاری از مردم، تیم ملی فقط یک تیم فوتبال نیست. یادآور شب‌هایی است که خانواده‌ها کنار هم بازی‌ها را دیده‌اند، خیابان‌هایی که بعد از یک برد شلوغ شده‌اند، بحث‌هایی که روز بعد در مدرسه و محل کار شکل گرفته است. از این نظر، تیم ملی بیشتر شبیه یک روایت مشترک است؛ داستانی که نسل‌های مختلف در آن سهم دارند. بازیکنان و مربیان می‌آیند و می‌روند. ترکیب تیم در هر دوره تغییر می‌کند. اما پیراهنی که بر تن آن‌هاست چیزی فراتر از یک لباس ورزشی است. فوتبال ملی فقط در زمین بازی اتفاق نمی‌افتد. اثر آن در لایه‌های مختلف زندگی روزمره پخش می‌شود. در گفت‌وگوهای کوتاه میان دوستان، در پیام‌هایی که شب مسابقه رد و بدل می‌شود، در جمع‌های خانوادگی که بهانه‌ای برای کنار هم نشستن پیدا می‌کنند. در جامعه‌ای که فشارهای اقتصادی و روزمره زیاد است، همین لحظه‌های کوتاه شادی جمعی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بردن یک مسابقه، یا حتی امید به یک بازی خوب، می‌تواند برای چند ساعت فضای گفت‌وگو و همدلی ایجاد کند. این تجربه جمعی فقط یک سرگرمی ساده نیست؛

لااقل در فوتبال ریشه فراگیری این نگاه فقط در بمباران محتوایی رسانه‌های معاند نیست و خیلی وقت‌ها عوامل فدراسیون، کادر فنی و حتی بازیکنان انواع رفتارهایی را دارند که این حس در بسیاری از مردم جامعه زنده می‌شود. اما مسئله این است که نباید اجازه دهیم این نگاه بر ذهنیت ما غلبه کند چون چیزی مثل تیم ملی متعلق به آن ۱۱ بازیکن و کادر فنی نیست؛ تیم متعلق به خود ما مردم است و موفقیت و عدم موفقیتش بخش مهمی از تجربه امروز و حافظه جمعی فردای ماست. در این بین نباید حمایت از تیم ملی هم به معنای نقد نکردن ترجمه شود. در فرهنگ هواداری، انتقاد نشانه دشمنی نیست. کسی که از تیم ملی ایراد می‌گیرد، هنوز برایش مهم است که این تیم چگونه بازی می‌کند، چه نتیجه‌ای می‌گیرد و چه تصویری از خود به جا می‌گذارد. به همین دلیل است که میان اعتراض و بی‌تفاوتی فاصله زیادی وجود دارد. اعتراض هنوز انرژی را بطه‌را حفظ می‌کند. بی‌تفاوتی اما را بطه را خاموش می‌کند. وقتی برد و باخت دیگر هیچ تفاوتی نداشته باشد، وقتی نتیجه بازی دیگر حتی موضوع گفت‌وگو کوتاه در جمع دوستان هم نشود، آن وقت است که یک پیوند جمعی آرام‌آرام فرسوده می‌شود. از این نظر، شاید کسانی که هنوز از تیم ملی عصبانی می‌شوند، کسانی هستند که نمی‌خواهند این پیوند قدیمی از بین برود.

تله‌ای خطرناک به نام «مال مردم نیست»

در چند سال اخیر به خصوص در جریان جنگ رمضان جمله‌ای در رسانه‌های فارسی زبان شنیده می‌شود با این مضمون که «تیم ملی مال مردم نیست». مشابه این حرف گاهی در باره زیرساخت برق، گاهی برای یک پل و ... هم مطرح می‌شود. چنین حرفی در نگاه اول شبیه نوعی اعتراض به نظر می‌رسد، اما در لایه عمیق‌تر می‌تواند به یک تله خطرناک تبدیل شود. دارایی‌های عمومی در هر جامعه‌ای فقط سازه‌های فیزیکی نیستند. آن‌ها بخشی از تجربه مشترک مردم‌اند. پل‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها، تیم‌های ملی و حتی بعضی مناسبت‌های جمعی؛ چیزهایی هستند که مردم از طریق آن‌ها احساس می‌کنند در یک زندگی مشترک سهم‌اند. اگر مردم کم‌کم بپذیرند که هیچ نسبتی با این دارایی‌های مشترک ندارند، در واقع بخشی از حس تعلق خود را کنار گذاشته‌اند. جامعه‌ای که احساس کند هیچ چیزش «مال خودش» نیست، به تدریج نسبتش با فضا‌های عمومی، با نمادهای مشترک و حتی با سر نوشت جمعی‌اش هم کم‌رنگ می‌شود. در چنین وضعیتی، بی‌تفاوتی جای مطالبه را می‌گیرد. دیگر کسی نمی‌رسد چرا تیم ملی خوب بازی نکرد؟ چرا باید بهتر شود؟ چون وقتی چیزی «مال ما» نباشد، طبیعی است که برای بهتر شدنش هم انرژی نگذاریم. از این نظر، خطرناک‌ترین اتفاق شاید این نباشد که مردم از تیم ملی ناراضی باشند؛ خطر واقعی زمانی است که به این نتیجه برسند که این تیم اصلا به آن‌ها تعلق ندارد. البته

یوزها به دنبال عبور از شیاطین سرخ!

پس از تساوی ناامیدکننده برابر نیوزیلند، شاگردان امیر قلعه‌نویی در دومین گام از جام جهانی ۲۰۲۶ به مصاف بلژیک تشنه پیروزی می‌روند؛ دیداری نفس‌گیر که تیم ملی را وادار به تغییرات اساسی در ساختار دفاعی و تفکرات تاکتیکی برای ارائه نمایشی آبرومندانه می‌کند



خط حمله بدون تغییر

طارمی ذاتا یک مهاجم نوک (شماره ۹) است و لاغیر. اگرچه او در دیدارهای دوستانه مقابل تیم‌های ضعیف‌تری مانند کامبیا یا مالی توانسته بود در نقش مهاجم سایه یا پست شماره ۱۰ خوش بدرخشد، اما این دلیل نمی‌شود که در میادین بزرگی چون جام جهانی و برابر تیم‌های قدرتمندی مثل بلژیک و مصر هم بتواند همان کارایی را در این پست داشته باشد. اتفاقی که دقیقا در بازی با نیوزیلند شاهد آن بودیم و مهدی در پست بازی ساز دچار افت شد. شاید استفاده از او در همان پست تخصصی‌اش، بهترین تصمیم برای خط حمله ایران باشد.

برخلاف سایر خطوط، در فاز هجومی تیم ملی نه گزینه‌های پر تعداد و متفاوتی در اختیار داریم نه دلیل فنی خاصی برای ایجاد تغییرات دیده می‌شود. زوج شهریار مغانلو و مهدی طارمی همچنان می‌توانند امید اصلی ما برای باز کردن گره این بازی سخت باشند. مغانلو در دیدار مقابل نیوزیلند نشان داد که دوندگی بی‌امانی دارد و با تکیه بر قدرت بدنی فوق‌العاده‌اش می‌تواند مدافعان و هافبک‌های مستحکم بلژیک را به خوبی درگیر کند. در کنار او، مهدی طارمی قرار دارد؛ بازیکنی که با وجود نمایش نسبتا خوب برابر نیوزیلند، تلاش‌هایش چندان به چشم نیامد. واقعیت این است که

شیاطین سرخ با تمام قوا می‌آیند

به وضوح حس کنند. کارشاگردان قلعه‌نویی در برابر تیمی که در ۱۴ بازی متوالی گذشته خود طعم شکست را چشیده و حالا غولی به نام رومولو کو کاما‌آدرهم در اختیار دارد، بدون شک دشوار خواهد بود.

بلژیکی‌ها به خوبی می‌دانند که برای عبور از سد ایران باید با تمام قوا و تمرکز کامل به میدان بیایند. تساوی در بازی نخست مقابل مصر (که البته تیم قدردمند و خطرناکی نشان داد) باعث شده تا شیاطین سرخ خطر گره خوردن کارشان برای صعود را

شایان‌ال‌ه‌آبادی | تیم ملی ایران در نخستین دیدار خود در جام جهانی ۲۰۲۶ مقابل نیوزیلند به تساوی ۲ بر ۲ رسید؛ نتیجه‌ای که شاید در نگاه اول فاجعه‌بار به نظر نرسد اما با توجه به جایگاه نیوزیلند در رنکینگ فیفا و اهمیت بازی اول، موجی از انتقادات و متوجه کادر فنی و برخی بازیکنان تیم ملی کرد؛ چرا که این مسابقه روی کاغذ بهترین فرصت ما برای هموار کردن مسیر صعود بود و حالا رویای صعود، بیشتر به‌اما و اگر‌ها و جایگاه سوم گروه گره خورده است. بزرگ‌ترین نقطه ضعف ایران در بازی نخست، اشتباهات مربار و فاجعه‌بار در خط دفاعی بود که از مدت‌ها قبل و با تکیه‌ای که قلعه‌نویی به استفاده از نعمتی و شجاع داشت قابل حدس بود. حالا شاگردان امیر قلعه‌نویی در شرایطی به مصاف بلژیک می‌روند که دیگر جایی برای اشتباه ندارند. بلژیک تیمی نیست که تنها دو موقعیت نصفه و نیمه روی دروازه‌ها خلق کند؛ آن‌ها با توجه به تساوی در بازی اول، با عطش پیروزی و سراپا حمله‌وار د زمین خواهند شد و اگر فکری اساسی به حال ساختار دفاعی نشود، دروازه ایران به توپ بسته خواهد شد. در ادامه به بررسی تغییرات احتمالی ترکیب تیم ملی در این نبرد سر نوشت‌ساز می‌پردازیم.

معمای خط میانی؛ نیاز به جنگندگی

تغییرات خط دفاعی تنها راهکار تیم ملی نخواهد بود. در بازی با نیوزیلند، هافبک‌های میانی ما هم دست‌کنی از مدافعان نداشتند و پراشتباه ظاهر شدند. به

همین دلیل بسته به سیستم دفاعی، ممکن است در میانه میدان هم تغییراتی در ترکیب ایجاد شود. اگر ایران با سیستم سه دفاعه بازی کند، قلعه‌نویی می‌تواند یک هافبک دیگر به مرکز زمین اضافه کند تا کنترل بازی بیشتر در اختیار تیم ملی باشد. بازیکنان جوانی نظیر محمد قربانی یا امیر محمد رزاقی‌نیا می‌توانند مکمل‌های خوبی برای زوج سعید عزت‌اللهی و سامان قدوس باشند. سعید عزت‌اللهی در بازی اول روز بسیار سختی داشت و نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت در تخریب حملات حریف موفق باشد. قدوس هم اگرچه در پخش و گردش توپ موثر بود، اما در کارهای دفاعی آن‌طور که باید کمک موثر نبود و همین موضوع فشار بیشتری روی خط دفاعی ایران وارد کرد. با این تغییرات، خط میانی پنج نفره ایران شکل می‌گیرد: رامین رضاییان در راست، سعید عزت‌اللهی، سامان قدوس و محمد قربانی در مرکز و محمد مجبی در سمت چپ. البته گزینه‌های دیگری مثل مهدی ترابی، علیرضا جهانبخش یا مهدی قایدی هم برای حضور در این خط وجود دارند، اما از نظر فیزیکی و درگیری‌های بدنی، مجبی شاید انتخاب مناسب‌تری برای بازی سنگین مقابل بلژیک باشد؛ تیمی که معمولا در میانه میدان بازی فیزیکی و پر قدرتی ارائه می‌دهد.



تغییر سیستم و بازگشت

کنعانی‌زادگان

نمایش پرانتقاد و متزلزل تیم ملی در فاز دفاعی برابر نیوزیلند، امیر قلعه‌نویی را ناگزیر کرده تا ساختار دفاعی تیمش را برای بازی دوم به شکلی بنیادین ترمیم کند. تصور این که با همان دفاع چهار نفره شکننده و پراشتباه بخوایم برابر ستارگانی چون جرمی دو کو و دیگر مهره‌های هجومی بلژیک قرار بگیریم، ترسناک است. در چنین شرایطی، منطقی‌ترین و شاید تنها‌ترین راهکار کادر فنی، رورودن به بازی تدافعی و دل بستن به کورسوی امید ضد حملات است؛ استراتژی‌ای که بهترین ابزار برای اجرای آن، استفاده از سیستم سه دفاعه خواهد بود. درون دروازه، علیرضا بیرانوند با وجود نمایش دور از انتظارش در بازی قبل، همچنان گزینه اول و بی‌جانشین تیم ملی است. اما در خط دفاع، پس از عملکرد نه چندان جالب زوج شجاع خلیل‌زاده و علی نعمتی، انتظار می‌رود محمد حسین کنعانی‌زادگان به ترکیب اصلی بازگردد. در آرایش سه دفاعه، دو مدافع کناری نقش حیاتی ایفا می‌کنند. صالح حمدانی می‌تواند به عنوان دفاع راست و شجاع خلیل‌زاده یا علی نعمتی در سمت چپ، روی دست کنعانی‌زادگان بازی کنند. حضور حمدانی اجازه می‌دهد رامین رضاییان یک خط جلوتر برود و به عنوان پیستون راست ایفای نقش کند. تجربه ثابت کرده هر گاه رامین به دروازه حریف نزدیک‌تر باشد، عملکرد بهتری ارائه می‌دهد. قلعه‌نویی با این ترفند، با یک تیر دو نشان می‌زند؛ هم یک زوج تدافعی -تهاجمی در سمت راست تشکیل می‌دهد و هم خیالش آسوده است که فضای پشت سر رضاییان خالی نمی‌ماند تا دو کوبه ماضی به بزند. البته اگر سرمربی تیم ملی روی دفاع چهار نفره و فشاری کند، احتمالا زوج کنعانی و شجاع در قلب دفاع و حمدانی و نعمتی در کناره‌ها به میدان خواهند رفت.